

دوستان و همراهان روحانی

الله ابھی

همانگونه که مستحضر می باشید در امر مبارک بهائی مشورت از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و اهمیت این تعلیم تا به جایی است که حضرت بهاء الله می فرمایند: "بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا" در واقع " حضرت بهاء الله در این عصر نورانی قویترین و خارق العاده ترین وسیله اصلاح امور عالم را در اختیار بشر قرار داده اند تا در جمیع امور کوچک و بزرگ، خصوصی و عمومی، ساده و مشکل، عموم اهل عالم به آن متوسل شوند. مشورت مناسبترین وسیله جهت حل مشکلات کنونی دنیاست زیرا دارای قدرتی است که جمیع مسائل را به طور مؤثر و قاطع حل می کند... "

مشورت سراج هدایت ص ۱۱

در برنامه پیش رو قصد بر آن است که با توجه به آثار مبارکه در خصوص اهمیت اجرای این تعلیم مبارک تفکر نمائیم و برخی از اصول و شرائط لازم آن را مورد بررسی قرار دهیم.

متمنی است ترتیبی اتخاذ فرمائید که پس از اجرای قسمت روحانی، فضائی جهت تفکر و تأمل بر مطالب مطروحه به وجود آید.

موفق باشید

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"طوبی از برای نفوسی که رایات امر الهی را به جنود مشورت حفظ نمایند."

آیات الهی ج ۲ ص ۸۸

عنوان: "مشورت سراج هدایت"

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- ذکر دسته جمع

۳- مجموعه نصوص مبارکه حضرت بهاء الله

۴- منتخبات نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- قسمتی از پیام ۱۹ می ۲۰۰۹

۷- تحولی در مشورت جمعی: اهمیت وحدت و عدالت

۸- برخی از اصول مشورت بهائی

قسمت اول

قسمت دوم

۹- شور و مشورت (به نظر شما دارا بودن قابلیت مشورت چه نتایجی برای فرد و جامعه در بردارد؟ تجربیات خود را

در این رابطه بیان نمائید

۱۰- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۱- الفت و پذیرائی

۱۲- مناجات خاتمه

هُوَ الْإِبْهِي

ای پروردگار آمرزگار، این مرغان بی آشیان را در حدیقه ثبات و استقامت در شاخسار سدره منتهی پناه عنایت فرما و این ماهیان لُجَّة توحید را در بحر اعظم عنایت، غوص ده و این بی سامانان صحرای محبتت را در کهف منیع و ملاذ حفظ و حراست منزل و مأوی احسان کن. تا به عون و فضل و جودت در سماء وجود چون انجم هدایت بدرخشند و در انجمن عالم چون چراغهای محبت الله روشن و منور گردند. امطار غمام رحمت باشند و اشعه آفتاب افق حقیقت. لسانی ناطق گردند و فضلی سابق شوند. چشمی بینا باشند و گوش شنوا. داری پربار گردند و گلزاری با نفحات مشکبار. امواج دریای آثار قدم شوند و نسائم گلشن اسم اعظم. مهبط الهام باشند و مشرق انوار و مظهر الطاف رب مختار. در ملاء مقربین محشور گردند و در زمرة مخلصین معدود و معروف. از حرارت محبت الله چون شعله سوزان باشند و در فرقت جمال منان، ابری گریان. به وفای الهی رویشان روشن گردد و به عنایت حضرت یزدانی، دلهاشان لاله زار و گلشن. هر یک در امر الله علم مبین گردند و در استقامت بر عهد و پیمان حصن متین. ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۲۰۱

مناجات خاتمه

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار این انجمن را روشن نما و این جمع را شمع عالم کن زیرا نیتشان خیر عمومی است و مقصدشان خدمت به عالم انسانی. ای خداوند مهربان، چنین انجمن سزاوار الطاف است و چنین جمع لایق فضل و موهبت بی پایان. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی خداوند یکتا و بی همتا.

ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۴۳۰

۳-مجموعه نصوص مبارکه حضرت بهاء الله

" وَمَا ذَكَرْتَ فِي الْمَشَاوِرَةِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا مِرْقَاةً لِسَمَاءِ الْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ طُوبَى لِمَنْ لَاحِظٍ لِمَقَامِهَا وَحَافِظٍ لِمَقَامِهَا . صعود به آسمان امن و امان به مرقات مشورت معلق . إِنَّ شَاءَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِ أَهْلِ اللَّهِ بَاوِ مَتَمَسِّكَ بِأَسْمَانِهِمْ . . . شَاوِرُوا فِي الْأُمُورِ مُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ الْمُهَيِّمِينَ الْقِيَوْمِ " . ۱

آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر، مشورت و شفقت . مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را بیقین تبدیل نماید . اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی . راه نماید و هدایت کند . از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد بمشورت ظاهر و هویدا" . ۲

"امروز آنچه لازم است نصرت امرالله به حکمت و بیان است . بنشینید و در اجرای امور مشورت نمائید و به کمال سکون و وقار آنچه سبب عزت و ارتفاع امرالله است عمل کنید" . ۳

"به کمال روح و ریحان به مشورت تمسک نمائید و به اصلاح عالم و انتشار امر مالک قدم عمر گرانمایه را مصروف دارید" . ۴

۱- ص ۴۰۹ ج ۳ امر و خلق

۲- ص ۶۰ ج ۸ مائده آسمانی

۳- آثار قلم اعلی شماره ۲۸ ص ۱۳۰

۴- آیات الهی ج ۱ ص ۷۲

۴-منتخبات نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

"امور را جزئی و کلی به مشورت قرار دهید. به رأی خویش بدون مشاورت در امر مهمی، مباشرت ننمائید. در فکر یکدیگر باشید، تمشیت امور یکدیگر دهید، غصه یکدیگر خورید... ۱"

"در امور جزئی و کلی انسان باید مشورت نماید تا بآنچه موافق است اطلاع یابد. شور سبب تبصر در امور است و تعمق در مسائل مجهول. انوار حقیقت از رخ اهل مشورت طالع گردد و معین حیات، در چمنستان حقیقت انسان جاری گردد. انوار عزت قدیمه بتابد و سدره وجود با ثمار بدیعه مزین شود ولی باید اعضاء مشورت، در نهایت محبت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند. اصول مشورت از اعظم اساس الهی و باید افراد ملت در امور عادیه نیز شور نمایند. ۲"

۱- منتخباتی از آثار مبارکه در باره تعلیم و تربیت ص ۷۲

۲- ص ۴۱۲ ج ۳ امر و خلق

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

فی الحقیقه شور از اعظم خصائص این کور است که باید اهل بها در مهمّ امور شور را ملحوظ دارند و این امر مهمّ را خیر محتوم شمرند علی الخصوص در اموری که راجع به عموم است. آن شور خدمت حقّ است و آن مُصادمه افکار سبب کشف حقیقت، که چه نوع باید و چه قسم شاید. اسّ اساس ترقی در جمیع مراتب کون، مشورت است و تا این تأسس تامّ پیدا نکند امور بر محور مطلوب نگردد. بسیار در این خصوص تفتید لازمست به قسمی که در جزئیات امور نیز احباء باید با یکدیگر مشورت نمایند. در کلّ احیان به درگاه بی نیاز عجز و نیاز می شود که انجمن مشورت مظهر عون و صون و عنایت الهیه گردد و موفق به خدمت امر الله شود و جمیع یاران را غمخوار مهربان باشند و در فکر راحت و آسایش و مسرت و بشارت سائر دوستان افتند. اینست صفت مخلصین اینست سمت مقربین و البهاء علیکم اجمعین. ع ع

منتخبات مکاتیب ج ۶ ص ۴۲۰

در پیام مورخ ۱۸ مارچ ۲۰۰۹ به نقش مؤثر مشورت در بلوغ و کارآیی جامعه اشاره نمودیم و از اینرو خبرگسترش بیشتر آن موجب کمال خوشوقتی و سرور این جمع شد. حضرت بهاءالله حکم مشورت را یکی از اصول بنیادین آیین بهائی مقرر داشته و "بلوغ و ظهور خرد" را موکول به آن دانسته و تأکید فرموده اند که تمسک به مشورت "سبب و علت آگاهی و هوشیاری و خیر و سلامتی بوده و خواهد بود." همچنین میفرمایند: "مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را به یقین تبدیل نماید اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی راه نماید و هدایت کند." مشورت راه گشای امور فردی و اجتماعی بوده رشد و پیشرفت و اتحاد پایدار جامعه را تضمین مینماید و برای تمشیت امور بشری ضروری است. حضرت عبدالبهاء آن را "سبب فتوح کلی در امور" و "جاذب عون و عنایت حق" دانسته اند.

همان طور که مطلع هستید، مشورت بهائی باید در نهایت محبت و صمیمیت و اتحاد صورت گیرد. کسانی که به مشورت میپردازند باید با تبطل و ابتهال و اشتیاق به کسب تأییدات از افق ابهی، نظرات خود را با کمال آزادی و بدون پافشاری بر عقاید شخصی و با رعایت ادب و احترام کامل ابراز دارند و به منظور نیل به اتحاد نظر با دقت و تمعن و انصاف به اظهارات دیگران توجه نمایند. حضرت عبدالبهاء توصیه میفرمایند که اگر تصمیم گیری در مورد موضوعی به بحث های طولانی و یا خدای ناکرده مشاجره و اختلاف منجر گردد میتوان آن را موقتاً متوقف ساخت و در وقت مناسب دیگری مجدداً به آن پرداخت. مطمئن باشید که با مساعی خالصانه خود در اجرای این اصول از طریق مشورت در بین خانواده ها و یا در گروه های کوچک و به مدد تأییدات الهی و به قوه میثاق به حل و فصل اکثر مسائل توفیق خواهید یافت. در این مورد باید توجه داشت که هدف از مشورت همیشه وصول به تصمیمی نهایی نیست بلکه در بسیاری از موارد منظور تبادل افکار جهت روشن تر شدن مواضع و ایجاد وحدت نظر است. البته به این نکته نیز واقفید که رسیدگی به بعضی از مسائل به نحو مطلوب شاید در شرایط فعلی امکانپذیر نباشد لذا باید آن را در نهایت صبر و بردباری به آینده موکول نمود.

۷- تحولی در مشورت جمعی: اهمیت وحدت و عدالت

اصول و اهداف فرایند مشورت بر این مفهوم که انسان ذاتا شریف است استوار می باشد. انسانها صاحب عقل، وجدان و نیز قابلیت تحری، درک، شفقت و خدمت برای مصلحت عموم می باشند. بدون این دیدگاه برچسب هایی مانند "در حاشیه"، "بدبخت" یا "آسیب پذیر" با تأکید بر نیازها و ضعف های فرد، خصوصیات و توانمندی های او را تحت الشعاع قرار می دهند.

بی تردید نیازها و بی عدالتی های اساسی باید در فرایند مشورت مورد بررسی قرار گیرند؛ اما افراد شرکت کننده در این مشورت باید سعی کنند تا یکدیگر را در پرتو شرافت و توانایی ذاتی ببینند. باید هر یک از آنها آزاد باشند تا قوه عقل و وجدان را به کار برده، دیدگاهشان را مطرح کنند، حقیقت و مقصود را شخصا بیابند و دنیا را با چشمان خود ببینند. مشورت به بسیاری از کسانی که این آزادی را تجربه نکرده اند، کمک می کند تا فرایندی را آغاز کنند که بوسیله آن بتدریج پیشگامان پیشرفت خود و شرکت کنندگان بالغ تمدن جهانی گردند.

۸- برخی از اصول مشورت بهائی (قسمت اول)

مشورت می خواهد به نحوی توافق نظر ایجاد کند که به جای جدا کردن اعضا از یکدیگر، آنها را با هم متحد سازد. این کار از راه تعهد به اصول مختلف مشورت صورت می گیرد. این اصول شرکت کنندگان را تشویق می کند که از مبارزه بر سر قدرت که در نظام های سنتی تصمیم گیری بسیار متداول است فراتر بروند. یکی از این اصول ارزش نهادن به کثرت است. بهائیان به جای آنکه کثرت را منبع اختلاف و مانعی در راه تصمیم گیری جمعی بدانند، آن را سرمایه ای در جریان تصمیم گیری به شمار می آورند. از همین رو شرکت کنندگان در مشورت می کوشند با جویا شدن و بررسی دیدگاهها، نگرانی ها، علائق و تخصص های همه بخش های جامعه، اطلاعات خود را افزایش دهند. جریان مشورت با ارج نهادن به کثرت و درخواست فعالانه نظراتی که از روی سنت کنار گذاشته می شده اند، بین بخش های مختلف جامعه اعتماد ایجاد می کند، اعتمادی که به نوبه خود لازمه هرگونه کوشش در جهت تبدیل تصمیمات جمعی به اقدامات جمعی است.

اصل دیگری که با اصل ارج نهادن به کثرت رابطه نزدیکی دارد، اصل انقطاع از نظرات خود است. در مشورت افراد شرکت کننده می کوشند تا از نقطه نظرات مربوطه خود فراتر روند... در این رابطه بهائیان تصدیق می کنند که درک بشری نسبت به پیچیدگی بی نهایت جهان پیرامون ما بسیار محدود و متناهی است و بنابراین انسانها

نمی توانند واقعیت را مستقیماً و بطور جامع در شکل خام یا جوهری آن درک کنند یا بدانند. علاوه بر آن، نظرات فرد به واسطه تجربیات، تعلیم و تربیت، موقعیت اجتماعی، زمینه تاریخی و... وی شکل گرفته و محدود شده است. آنها با توجه به ماهیت محدود نظرات افراد، اذعان می کنند که دسترسی ما به حقیقت نه مطلق، که نسبی است. نظرات و دیدگاه های گوناگون را دریافت هایی می دانند که وقتی بیان شدند، به سرمایه جمع تبدیل می شوند تا در کل گروه تصمیم گیرنده مورد استفاده قرار گیرند... «وقتی نظری داده شد دیگر به جمع تعلق دارد.»... تعهد به این جریان نه تنها به تصمیم های جمعی کارآمدتر، بلکه همچنین به بلوغ بیشتر افراد شرکت کننده و همچنین کل جوامع می انجامد. بنابراین بهائیان مشورت را یک جریان یادگیری می دانند و معتقدند که رویکردها و مهارت هایی که در مشورت شکل می گیرند همان قدر اهمیت دارند که تصمیمات خاصی که از مشورت حاصل می شوند.

۸- برخی از اصول مشورت بهائی (قسمت دوم)

اصل بسیار مرتبط دیگر در مشورت بهائی اصل محبت و اعتدال در نحوه صحبت است. بیان پدیده نیرومندی است که مستلزم قوه قضاوتی قوی است. محتوی، حجم، سبک، ظرافت، حکمت و به موقع بودن از عناصر مهمی هستند که تأثیر بیان را تعیین می کنند... در نتیجه باید همیشه از اهمیت این عمل که تا این حد انسان را از سایر صور حیات ممتاز می کند، آگاه باشیم و آن را سنجیده به کار ببریم.

لازم نیست آزادی بیان را به معنای مجوزی برای سخنان افراطی و نفاق افکنانه بدانیم. تمسخر، توهین، تهدید و سایر روشهای ناراحت کننده، تحقیرآمیز و تفرقه افکنانه بیان که امروزه در بسیاری از آنچه که رسانه های عمومی قلمداد می شوند به هنجار بدل شده اند در مشورت بهائی جائی ندارند. بعلاوه بهائیان تشخیص می دهند که بینش و درک متقابل که شرط اولیه تصمیم گیری جمعی است، در یک فضای ادب و احترام و اعتدال راحت تر از همه ایجاد می شود. نه در یک فضای خشونت و تهدید، بلکه فقط در یک فضای احترام، حمایت و تشویق متقابل است که فکر روشن می شود و دیدگاههای افراد شنیده می گردد، بخصوص کسانی که به علت برکنار بودن تاریخی شان از جریانات تصمیم گیری اعتماد به نفس لازم را ندارند.

از سوی دیگر این توصیه هائی که درباره آداب بیان می شود، مستلزم این نیست که روی اختلافات سرپوش بگذاریم و از شرکت کنندگان بخواهیم اختلافات خود را پنهان کنند و با یکدیگر با ادب و نزاکت ساختگی صحبت کنند. برعکس به معنای یافتن و تسهیل نحوه بیانی است که اجازه دهد علائق و دریافت های متضاد

مورد بررسی نقادانه قرار گیرند، آن هم در فضائی حاکی از بردباری و روحیه تعهد متقابل که در آن مشکلات به چالش هائی قابل حل تبدیل شوند.

این توصیه ها مستلزم نحوه بیانی سرد و عقلانی که در آن احساسات جایی نداشته باشد نیز نیست. برعکس احساسات زیربنای تجربه و ادراک است. احساسات می تواند مردمان را تعالی بخشد، الهام دهد و برانگیزد که اصلاحات معنادار اجتماعی را دنبال کنند. در عین حال که بهائیان از جریان مشورتی سرد و بی روح جانبداری نمی کنند، اما می کوشند از برخوردهای خصمانه ای که اغلب باعث اختلاف و جدائی می شوند نیز اجتناب نمایند.

علاوه بر آن، بهائیان توصیه های بالا درباره بیان را مجوزی برای کنار گذاشتن کسی یا گروهی به بهانه این که خشن یا تربیت نشده یا غیر منطقی هستند، نمی دانند. در این رابطه حق اظهار عقیده یک اصل اساسی در حیات جامعه بهائی است، بلکه مشورت را جریانی می دانند که مردم می توانند در آن بطور جمعی روشهای سازنده تر سخن گفتن را بیاموزند. آنها هشدار می دهند که در این فضای یادگیری جمعی، هر فردی فقط مسئول نظارت و اصلاح حالت سخن گفتن شخص خود است و افراد نباید خود را مسئول نظارت، تصحیح، و یا سرزنش دیگران بدانند. از این نظر بهائیان می کوشند که نه دیگران را ناراحت کنند و نه از دست دیگران ناراحت شوند.

تلخیص از کتاب و رای فرهنگ رقابت نویسنده: مایکل کارلبرگ صص ۱۵۰ تا ۱۵۳